

توطئه بر ضد مسلمانان

↓
در
↓

نیجریه

قاره سیاه هنوز دستخوش آشوب و اغتشاش است . در دو سال گذشته بیش از ۱۵۰ کودتای نظامی بر ضد حکومت‌های رسمی کشورهای آفریقائی بعمل آمده که بیشتر آنها جنبه ارتجاعی داشت و در پشت سر کودتاچیان ، دست حمایت استعمار غربی ، صهیونیسم بین المللی و میسیونهای مذهبی مسیحی بچشم میخورد .

در جنوب **سودان** تمر دو قیام مسلحانه گروههای خائن و تجزیه طلب را پدران روحانی مسیحی اداره میکنند . در اریتره حکومت مسیحی حبشه (اثیوپی) مسلمانان را قتل عام میکند ، چنانکه در داخل حبشه نیز مسلمانان تأمین جانی و مالی ندارند . در **رواندا** مسلمانان از مقامات حساس دولتی برکنار شده و بزندان رفته اند . در **کنگو** ایالت مسلمان نشین که مرکز آن **استانی ویل اردوگام** هواداران **لومومبا** هم بود ، مورد تجاوز وحشیانه ای قرار گرفت و هزاران انسان مسلمان و غیر مسلمان سیاه پوست ، قتل عام شدند تا صد نفر سفید پوست مسیحی زندانی شده ، آزاد شوند . در **زنگبار** مسلمانان عرب زبان از هر گونه آزادی محروم شده و ۱۲ هزار نفر از آنان قتل عام شده و دهها هزار نفر آواره و در بدر شدند در **غانا** به بهانه نفوذ کمونیسم کودتاچیان گروههای ملی و مسلمان را به پشت میله های زندان فرستادند و در **چاد** مسلمانان نه تنها قتل عام شدند ، بلکه رهبران آنان هنوز هم در زندان ها بسر میبرند و در **آفریقای جنوبی** حتی بمسلمانان اجازه داده نمیشود که برای خود مسجدی بسازند (۱) و در **رودزیای آنگولا** قهرمانان مسلمان سیاه پوست ، همراه دیگر برادران خود ، در سخت ترین شرایط و زیر سلطه

اقلیت سفید پوست مسیحی بسر میبرند. در سنگال نخست وزیر مسلمان و هوادارانش با کودتای رئیس جمهوری مسیحی، برکنار میشوند و بزندان میروند.. از همه دردناکتر و وحشتناکتر، تراژدی و فاجعه نیچریه است که هنوز هم با همان شدت و وحشت ادامه دارد.

آری! در بزرگترین کشور اسلامی قاره سیاه در سرزمین نیچریه مسلمان، جنگ سیاه و وحشتناکی از ۱۴ ماه پیش آغاز شده که هنوز هم ادامه دارد و گروهی افسوسر باز یابی و تجزیه طلب، بدستور اربابان امپریالیست خود، به بهانه واهی «امنیت اقلیت»! با تجزیه قسمت نفت-خیز و شرقی نیچریه، آتشی را بر آفر وخته اند که هنوز هم شعله های آن، ملت محروم این قسمت از قاره سیاه را میسوزاند!

این روزها مطبوعات داخلی ما، ترجمه مقالاتی را منتشر میسازند که غریبهای مسیحی برای تحریک عواطف مسیحیان جهان، نسبت به مسیحیان ساکن ایالت شرقی نیچریه (که پرچم طغیان برافراشته و باصطلاح «جمهوری بیافرا» را تشکیل داده اند) آنها را منتشر ساخته اند. در این مقالات بجای آنکه به ماهیت استعماری این جنگ یاه اشاره ای بشود و یا، تجزیه طلبی گروهی یابی و مزدور اجنبی، مورد تقبیح واقع گردد، فقط از گرسنگانی صحبت میشود که برپا دارندگان این جنگ و وحشتناک، عامل اصلی مرگ و بدبختی آنان هستند.

درواقع میتوان ادعا کرد که برپا دارندگان جنگهای صلیبی در قرون وسطی امر و جنگهای صلیبی دیگری را با تغییر نام و کیفیت، در جنوب سودان، چاد، کنگو، نیچریه و دیگر سرزمینهای مسلمان نشین قاره آفریقا، برپا داشته اند که محصول کار آنها فقط در نیچریه، پانصد هزار کشته و زخمی در میدان جنگ و مرگ دهها هزار انسان دیگر، از گرسنگی است. در هر صورت: ما برای آنکه ماهیت این جنگ سیاه و استعماری را برای خوانندگان خود تشریح کنیم، مجبوریم که تاریخ چند سال اخیر نیچریه را ورق بزیم و نشان دهیم که امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بین المللی به همکاری میسیونرهای باصطلاح مذهبی، خواستار سر-کوبی مطلق مسلمانان در قاره سیاه بوده و عامل اصلی هر گونه بدبختی و جنگی در این قاره هستند:



از روزیکه نیچریه پس از ۹۰ سال تسلط و استعمار انگلیس با استقلال رسید (مهرماه ۱۳۳۹ شمسی)، بتحریک استعمار، اختلاف داخلی آغاز گشت و نخست «اولو» رهبر قبیله بت پرست شرق نیچریه، مخالفت را آغاز نمود و حتی حاضر نشد که با حکومت اکثریت مسلمان، دولت ائتلافی تشکیل دهد.

از بدو استقلال نیچریه، هر روز به بهانه «امنیت اقلیتها» یک سلسله توطئه ها و خونریزیها

و برادر کشی هائی در این سرزمین بر راه افتاده است، تا استقلال بزرگترین کشور آفریقائی با اکثریت مسلمانش، همیشه در معرض خطر باشد.

ولی نخست دولت مسلمان مرکزی، توانست با دور اندیشی و انسان دوستی، يك حکومت فدرال از ایالات گوناگون تشکیل دهد، اما استعمار، بدست سر تیب ایرونی در ۲۵ دپماه ۴۴ (رمضان ۸۵)، کودتائی بر راه انداخت و با قتل عام مسلمانان و رهبران آنان، فاجعه جدیدی را بوجود آورد.

دو سال پیش در شماره ۵ سال هفتم مجله مکتب اسلام ص ۵۲ در بخش «اخبار جهان اسلام» خواندید که ر. کودتای خائنه نیجریه، چهره های درخشان جنبش اسلامی آفریقا: «حاج ابوبکر توافا بالوا» نخست وزیر فدرال نیجریه - و «حاج احمد و بللو» نخست وزیر ایالت شمالی و مسلمان نشین آن - کشته شدند و مطبوعات جهان اسلام این جنایت ناجوانمردانه را تقبیح کرده و حتی جرائد دمشق حاج احمد و بللو را بعنوان «شهید و یکی از برجسته ترین چهره های اسلامی در آفریقا» مورد تجلیل قرار دادند و در بیانیه «اتحادیه مسلمانان سوریه» ضمن بزرگداشت فراوان از وی که «از بنیاد گزاران استقلال نیجریه بود» اعلام شد که «او بدست خائنین کشته شده است»...

آری دست جنایت پیشه استعمار سیاه، در گوشه دیگری از آستین چند کسودتچی آدمکش بدر آمد و نخست وزیران قانونی و مسلمان نیجریه را در روز روشن بقتل رسانید و حتی جنازه «حاج توافا بالوا» نخست وزیر فدرال را در حالی پیدا کردند که سرش را مملاشی ساخته و بدنش را قطعه قطعه کرده بودند، و حاج احمد و بللو هم همراه همسرش در جلومنز خود گلوله باران گردیده بود.

در کتابی که اخیراً بمناسبت سالگرد کودتای خائنه نیجریه، تحت عنوان: «نیجریه در سال ۱۹۶۶» در «لاگوس» پایتخت نیجریه منتشر گشت، خاطر نشان شده است که نظامیان مسیحی قبیله ایبو از دو سال پیش طرح این کودتای خائنه را بدستور امپریالیسم تهیه کرده بودند تا حکومت را از دست اکثریت مردم نیجریه که مسلمان هستند، خارج سازند.

در این کتاب صریحاً اعلام شده است که: ژنرال آگویی ایرونی، رهبر کودتا برای استقرار برتری و حکومت ایالت شرقی مسیحی نشین - قبیله ایبو - بر سه قسمت جنوبی، شمالی و غربی که اکثریت مردم آن مسلمان هستند، این طرح استعماری را به مورد اجرا گذاشت و اگر این کودتا بوقوع نمی پیوست، تمام ایالات نیجریه، از حکومت دمکراسی و نظام فدرال بهره مند میشدند، ولی ایرونی برای ارضای اربابان خارجی و اعمال تعصبهای احمقانه مسیحیگری، به افسران زیر فرمان خود دستور کتبی داد که تمام سران دولتی ایالات سه گانه نیجریه را بقتل برسانند، ولی تاکید نمود که در مورد ایالت شرقی هیچگونه اقدامی نکنند!...

این کتاب میگوید: تاریخ گذشته بخوبی نشان میدهد که در نیجریه که همیشه اقتدار با

اکثریت مسلمانان و دولت فدرال و حکومت مرکزی - لاگوس - بود ، اوضاع مملکت بخوبی اداره میشد ، ولی برتری طلبی ایبوهای مسیحی برای اکثریت مسلمان نیچریه و انتقام گیری وحشیانه از رهبران مسلمان ، باعث گردید که منافع کشوری فدای هوسهای بیجا و انتقام جوئی ناجوانمردانه اقلیت مسیحی گردد ، (۱) .

نتیجه این خیانت و توطئه استعماری ، چنانکه دیدیم و خواندیم ، نه تنها کشته شدن رهبران مسلمان و قتل مردم بی گناه مسلمان ایالت شمالی ، بدست ایبوهای مسیحی بود ، بلکه در واقع سر - آغاز توطئه تجزیه طلبی و بدبختی کشور پنهان و آفریقائی نیچریه بود .

ماهانامه اسلامیک ریویو در ضمن مقاله ای تحت عنوان : **آفریقایك قار هاسلامی است Africa the Muslim Continent** ضمن تشریح اینکه از مجموع ۲۷۲ میلیون مردم آفریقا ۱۷۰ میلیون نفر مسلمان هستند ، در مورد این حوادث خونین چنین مینویسد :

ریشه فاجعه خونین نیچریه بیشک مربوط بامپریالیسم غربی است که در طول حکومت استعماری خود ، تخم نفاق و اختلاف را در این سرزمین پاشیده بود و در این حادثه ننگین ، محصول آنرا بدست آورد ! .

انگلستان در مرحله اول ناحیه جنوبی نیچریه را اشغال نمود و طبقه جوان قبیله «ایبو» را تربیت کرد !! و آنگاه شمال کشور را که مسلمان نشین بود ، تسخیر نمود . استعمار با ایجاد اتحادی بین ایبوهای مسیحی شده و یوروپا های بت پرست ، بر ضد مسلمانان «هوسا» ساکن شمال نیچریه - توطئه چید و بیست سال پیش ، این اتحاد شورش را بوجود آورد که هدف اساسی آن اداره کشور بدست مسیحیان قبیله «ایبو» بود .

مسلمانان بیدار و هشیار شمال ، زیر بار «حکومت متحده» خیالی ایبوها نرفتند تا آنکه انگلستان مجبور شد نظریه تاسیس حکومت فدرال را بپذیرد ... و آنگاه که نیچریه در سایه مبارزات پیگیر گروههای ملی ، برهبری مسلمانان ، استقلال را بدست آورد ، رهبران مسلمان توانستند قدرت را در دست بگیرند و با ایجاد دمکراسی ملی ، توازن اجتماعی بین همه قبیلهها بوجود آورند و وحدت ایالات نیچریه را حفظ کنند ولی در ژانویه گذشته (ماه مبارک رمضان ۱۳۸۵) توطئه گران خائن قبیله ایبو طی يك شورش کور و قیام ناجوانمردانه ای ، نه تنها رهبران مسلمان را قتل عام کردند ، بلکه باعث تفرقه و تشتت امور کشور بزرگ نیچریه نیز گردیدند . ژنرال ایرونی ، يك افسر مسیحی از قبیله ایبو بود و بزور سر نیزه بحکومت خود ادامه میداد ، اوقاتلین رهبران مسلمانان را تحت تعقیب قرار نداد ، زیرا او خود در این کودتای ننگین سهم بسزایی داشت ..

در نیچریه دیگر افسانه خطر کمونیزم مانند غا ناموجود نبود که بهانه‌ای بدست امپریالیستها بدهد و آنان توسط ایادی مزدور خود، حکومت قانونی را سرنگون سازند، بلکه در این سرزمین، خطر، خطر اسلام بود!.

روزنامه‌های اردو گاه امپریالیسم غرب، پس از کشتار وحشیانه رهبران مسلمان نیچریه، صریحا نوشتند: «این پیش آمد ضروری بود؛ زیرا می‌بایست که جلو نفوذ روزافزون مسلمانان شمال بالاخره گرفته میشد!»

روزنامه‌های غرب مسیحی، رژیم ژنرال قداره بند مسیحی، ابرونسی را تایید کردند و او که در واقع در توطئه افسران جوان و قتل رهبران مسلمانان دست داشت، هیچگونه عکس-العملی در قبال جنایتکاران از خود نشان نداد. و اکثریت رهبران واقعی مردم نیچریه را که ۸۵ درصد آنها مسلمانند از کارهای دولتی برکنار نمود (۱).



هدف نهائی استعمار از ایجاد آشوب و اغتشاش در نیچریه دو چیز بود: اول جلوگیری از پیشرفت سریع اسلام در نیچریه و بطور کلی قاره سیاه و ثانیاً تجزیه بزرگترین کشور آفریقائی به واحدهای کوچک و بی اهمیت. استعمار غرب هنگامیکه مجبور شد بدوره استعمار رسمی خود پایان دهد، برای ادامه سلطه جا برانه خود بر سرزمینهای پهناور تر و تمند آفریقا، در فکر طرح جدیدی برآمد و با تغییر شکل ظاهری، در نقش نشو و کنالیا لیسیم بجنگ ملت‌های آفریقائی آمد.

آری اسلام بمثابه يك واحد مبارز... بزرگترین خطر برای استعمار و منافع امپریالیستها بشمار میرود و پس از آن، وحدت و یل اقل سائترالیسم و هر گونه مرکزیتی در طبیعه خطرات ضد استعماری قرارداد. بیشك این آزمایشی نیست که امپریالیسم میخواهد نتیجه آنرا در آفریقا بدست آورد، بلکه تاریخ سیاه استعمار در هر نقطه ای از جهان، با کوبیدن اسلام و تجزیه کشورهای بزرگ به ایالت‌های کوچک و ناتوان سیاسی، همراه بوده است. سوء استفاده از معتقدات مذهبی مردم و جعل تاریخهای موهوم برای مناطق تجزیه شده، و ایجاد ناسیونالیسم کاذب و حتی تغییر نام مراکز تاریخی، از مؤثرترین عوامل تجزیه و ادامه حکومت استعماری در مناطق مورد نظر میباشد.

در نیچریه استعمار پس از دوران کوتاه استقلال، دید که با تعاون و وحدت پنجاه و پنج میلیون مردم آن و پیشرفت روزافزون اسلام بدست رهبران مسلمان کشور، دیگر نمیتوان از نیچریه توقع

(۱) : ماهنامه The Islamic Review چاپ انگلستان سال چهل و پنجم، مورخ

